



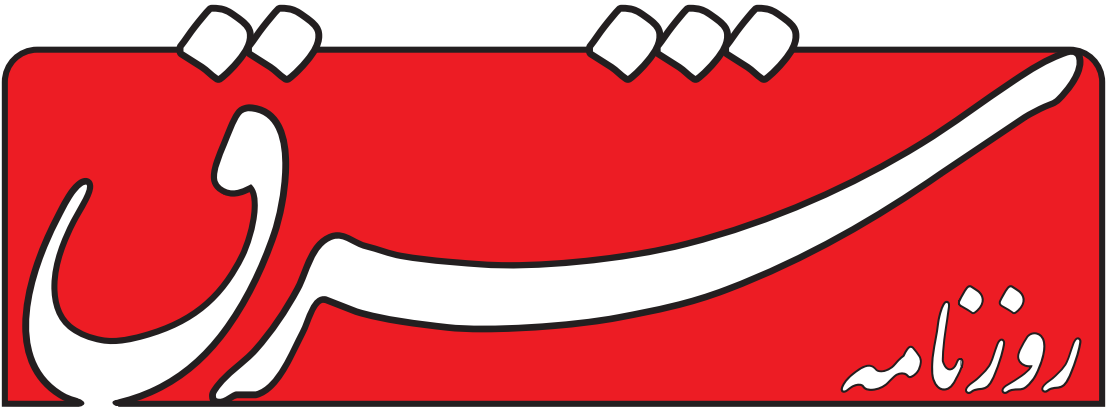
حسن روحانی درباره گرانی قیمت بنزین گفت:

صراحتاً بگوییم همه نسبت به این تصمیم یکی بودیم

گروه سیاست: گران شدن قیمت بنزین و حواشی آن همچنان در صدر اخبار کشور است. همین باعث شد تا رئیس‌جمهوری بار دیگر در جلسه هیئت دولت به این موضوع اشاره کند. حسن روحانی روز گذشته گفت: «موفق شدیم با اصلاح قیمت...»

صفحه ۶

پنجشنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۸ • ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ • ۱۲ دسامبر ۲۰۱۹



«شرق» میزان فروش اموال منقول و غیرمنقول در ۷ بودجه تقدیمی دولت روحانی را بررسی کرد

چوب حراج به اموال عمومی

صفحه ۵

بررسی اوضاع انتخاباتی اصلاح‌طلبان
در گفت‌وگو با عبدالواحد موسوی‌لاری:

ممکن است هیچ‌لیستی ارائه ندهیم

صفحه ۳



عکس: مهدی حسینی

بنیاد مستضعفان و شهرداری تهران برای حل برخی مسائل تفاهم‌نامه امضا کردند

تفاهم پرویز و پیروز

صفحه ۱۳

جبهه حداد عادل و محسن رضایی مجوز گرفتند

جبهه‌بازی در اصولگرایی

صفحه ۲

یادداشت

چهره‌ها در شاهنامه (۴)

چون زمانی بگذشت و فریدون سروقلمتی شد که توان مبارزه یافت، به مادر گفت اکنون زمان آن فرا رسیده که شمشیر به دست گیرد و از کاخ ضحاک غبار برآورد و فرانک، مادر فریدون او را از این اندیشه بازدارد. بی‌ویم به فرمان یزدان پاک/ برآرم ز ایوان ضحاک خاک/ بدو گفت مادر که این رای نیست/ تو را با جهان سر به سر پای نیست اکنون تنها نام فریدون بر لبان ضحاک جاری بود و با این اندیشه که چهره خویش را نزد مردمان در برابر دشمنی که از او بیم داشت، پاک جلوه دهد، تصمیم گرفت تا سندی را به امضای بزرگان کشور رساند که تأیید کنند ضحاک جز در طریق خیر و نیکی گام برنداشته است و بزرگان کشور از بیم او بر آن سند مهر تأیید گذاردند. در همان مجلس دریافت تأییدیه ضحاک، مردی خروشان وارد بارگاه شد به دادخواهی. ضحاک به ناگزیر با مدارا با آن مرد سخن گفت، چراکه نمی‌توانست در برابر شاهدانی که به تأیید او آمده بودند، به گونه‌ای دیگر که در آیین او بود، رفتار کند و آن دادخواه به فریاد گفت که آهنگری است کاوه نام که از شاه ستم دیده و فرزندش به بهانه‌ای بازداشت شده و قرار است مغز او را به مارهای ضحاک بدهند.

تو شاهی و گر ازدها پیکری/ بیاید بدین داستان داوری/ که گر هفت کشور به شاهی تو راست/ چرا رنج و سختی همه بهر ماست ضحاک چون این سخنان بشنید، فرمان داد که فرزند کاوه را به او بازگرداند و آن‌گاه از کاوه خواست که سند نیک‌مردی ضحاک را امضا کند و چون کاوه آن سند را بخواند، بر تأییدکنندگان سند فریاد برآورد که از ترس این ازدها همه به سوی دوزخ روی

برکشد و خواهان تاج و تخت و کلاه شود». هنوز آن سپهبد ز مادر نژاد/ نیامد که پرسش و سردباد/ چو او زاید از مادر پرهیز/ بسان درختی شود بارور/ زنده بر سرت گریزه کاوسار/ بگیرد زار و بندد خوار

ضحاک پرسید: «این‌کینه از کجا برمی‌خیزد که مرا به بند می‌کشد» و پاسخ می‌شود: «تو زندگی پدر او را تباه می‌کردانی و او انتقام پدر خویش و مردمان ستم‌دیده ایران را از تو می‌ستاند و شهریار باید بداند دایه آن کسی که بر تو می‌شورد، گاوی است که آن را با گرزهای کاوسار بر وی تاختند و بر گردنش پالهنک افکند، او را کشان‌کشان به کوه دماوند بردند. ضحاک با دیدن این کابوس آن چنان وحشت‌زده شد که فریادی از ژرفای سینه برآورد که ستون‌های کاخ به لرزه افتاد. ارتواز او را دل‌داری داد که در کاخ خویش در آرامش خفته است، این همه هراس از چیست و ضحاک آنچه در خواب دیده بود، بازگفت و دگرروز خواب‌گزاران و اخترشناسان فراخوانده شدن تا معنای این کابوس را دریابند و برای آن چاره‌ای بسازند. موبدان چون قصه کابوس ضحاک را بشنیدند، از بازگویی آنچه می‌دیدند به هراس افتادند و سه روز تمام سکوت اختیار کردند و هیچ نگفتند و در روز چهارم ضحاک به خشم آمده، آنان را تهدید کرد که اگر آنچه می‌بینند، فاش نکنند آنان را زنده بر دار خواهد کرد. آن‌گاه موبد موبدان گفت: «شاهنشاه باید بداندند که هیچ‌کس جادوانه نیست و حتی اگر خود را در حصار آهنی پنهان کند، سپهر او را خواهد سایید. آن که جایگزین تو می‌شود فریدون نام دارد اما هنوز آن جایگزین از مادر زاده نشده و چون از مادر زاده شود، به مانند درختی بارور خواهد شد و آن‌گاه که به مردی رسد، سر به ماه



مهدی افشار پژوهشگر

در سال‌های پایانی زندگی ضحاک پس از دیرینه‌سالی و خوراندن مغز جوانان به مارهایی که بر دوشش رویده بودند، شبی در کنار ارتواز، دختر جمشید فخته بود و در خواب دید که به ناگاه سه مرد جنگی با گرزهای کاوسار بر وی تاختند و بر گردنش پالهنک افکند، او را کشان‌کشان به کوه دماوند بردند. ضحاک با دیدن این کابوس آن چنان وحشت‌زده شد که فریادی از ژرفای سینه برآورد که ستون‌های کاخ به لرزه افتاد. ارتواز او را دل‌داری داد که در کاخ خویش در آرامش خفته است، این همه هراس از چیست و ضحاک آنچه در خواب دیده بود، بازگفت و دگرروز خواب‌گزاران و اخترشناسان فراخوانده شدن تا معنای این کابوس را دریابند و برای آن چاره‌ای بسازند. موبدان چون قصه کابوس ضحاک را بشنیدند، از بازگویی آنچه می‌دیدند به هراس افتادند و سه روز تمام سکوت اختیار کردند و هیچ نگفتند و در روز چهارم ضحاک به خشم آمده، آنان را تهدید کرد که اگر آنچه می‌بینند، فاش نکنند آنان را زنده بر دار خواهد کرد. آن‌گاه موبد موبدان گفت: «شاهنشاه باید بداندند که هیچ‌کس جادوانه نیست و حتی اگر خود را در حصار آهنی پنهان کند، سپهر او را خواهد سایید. آن که جایگزین تو می‌شود فریدون نام دارد اما هنوز آن جایگزین از مادر زاده نشده و چون از مادر زاده شود، به مانند درختی بارور خواهد شد و آن‌گاه که به مردی رسد، سر به ماه

ادامه در صفحه ۲

تاکید جهانگیری بر ضرورت حمایت از سمن‌های حوزه جوانان

دستور صدور فوری پروانه سمن‌های جوانان

گروه سیاست: معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت حمایت از سمن‌های حوزه جوانان از وزرای کشور و ورزش و جوانان خواست تا نسبت به صدور پروانه سمن‌های جوانان در استان‌ها اقدامات لازم و فوری انجام شود....

صفحه ۳

سال هفدهم • شماره ۳۵۹۵ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

هشدارهایی برای نشنیدن راه‌حل‌هایی برای نگفتن!

سیدمصطفی هاشمی‌طبا



در یکی از روزنامه‌های صبح تهران نقل و هشدارهایی از سوی چهار نفر اقتصاددان کشور که البته همه آنان هودار مکتب آزادی اقتصادی هستند، درج شده بود و حاکی از آن بود که این اقتصاددانان در زمان خود هشدارهایی داده بودند و به آن عمل نشده بود و بی‌توجهی به این هشدارها موجب بروز مشکلات، ناآرامی‌ها و تبعات بعدی آن شده است، برای آنکه ذهن‌ها روشن شود، خلاصه این هشدارها را در اینجا ذکر می‌کنم. دکتر محمد بهکیش در بهمن ۹۶ ضرورت تنش‌زدایی از روابط خارجی ایران را ذکر می‌کند و می‌گوید که بی‌توجهی به عادی‌سازی روابط با دنیا فرجام نامطلوبی دارد و به دنبال آن توصیه‌هایی - به‌علاوه آنکه - به دولت می‌کند. دکتر محمد طیبیان گفته کسری بودجه بزرگ‌ترین معضل اقتصاد ایران در سال‌های آینده است. کسری بودجه حاکمیت سیاسی ایران را به خطر می‌اندازد. اگر حاکمیت به کسری بودجه سروسامان ندهد، در آینده با هزینه‌های سیاسی و امنیتی گزاف باید آن را جبران کند. دکتر موسی غنی‌نژاد تأکید کرده جامعه‌ای که احساس نابرابری داشته باشد، مستعد همه‌گونه حرکت‌های خشن و اعتراض‌های مخرب است. درحال‌حاضر احساس بی‌عدالتی در توزیع ثروت در جامعه ما بسیار بالا رفته و دلیل آن ثروت‌های بادآورده، حقوق‌های نجومی و رانت‌جویی است. دکتر مسعود نیلی هم یادآور شده شش مشکل اقتصادی بزرگ در جامعه وجود دارد: تنگنای بودجه دولت، مسائل نظام بانکی، بی‌کاری، مشکلات صندوق‌های بازنشستگی، تنش آبی و مسائل زیست‌محیطی و البته در روزنامه یادشده هشدارهای اقتصاددانان غیرهودار اقتصاد آزاد مانند آقای دکتر مؤمنی که مؤید این هشدارها است، درج شده و به نظر می‌رسد این هشدارها مورد اتفاق چپ و راست است. نگارنده با همه اظهارنظرات ذکرشده کاملاً موافق است و نیز بر این اعتقاد است که همه نیروهای ساختارهای حکومتی در ایران با این نظرات اگر توافق کامل نداشته باشند، به تأثیر آنها در بحران‌های موجود اذعان دارند؛ اما چگونه است که همه و همه و آنها گذر کرده و مسائل مختلف را بر هم انبار و به آینده موکول می‌کنند. می‌خواهیم مروری بر نقش افراد و مقامات کشور داشته باشیم و ببینیم این حرف‌های خوب چرا مورد توجه قرار نمی‌گیرد و چاره چیست؟ به سراغ اقتصاددانان و روشنفکران برویم. اول موضوع تنش‌زدایی در روابط خارجی؛ این را می‌توان پذیرفت که در روابط خارجی از ابتدای انقلاب به دلایل گوناگون تنش‌هایی داشته و داریم و گاه با وجود دستور قرآن کریم که می‌فرماید «به بت‌های بت‌پرستان دشنام ندهید»، دانما مشغول به این کار بوده‌ایم؛ اما مگر در راستای تنش‌زدایی معاهده برجام را با شش کشور قدرتمند جهان امضا نکردیم و آن را نیز رعایت نکردیم؟ ناگهان بانگی برآمد، خواجه مراد! ناگهان آمریکا از آن خارج شد و تنش را ایجاد کرد. داعش را چه کسی ایجاد کرد و آن همه تنش در خاورمیانه ایجاد شد. حتما خواهیم گفت اقدامات ایران مثلاً در ایجاد هلال خیالی شیعی باعث این امر شده است، قبول داریم که ما هم کارهایی خلاف دستورات دین و عقل سلیم انجام داده‌ایم؛ اما مگر فقط ما باید تنش‌زدایی کنیم و دیگران تنش‌زایی. به گمانم معنی آن سازش و تسلیم است و نه تنش‌زدایی. هرچند به نظر می‌رسد نبود سیاست‌های مناسب داخلی در اقتصاد و حکمرانی بیش از تنش‌زدایی تأثیر داشته باشد.

ادامه در صفحه ۲

تیترا

زنگنه بر لبه تیغ

صفحه ۴

چرا آمار کشته‌شده‌های حوادث اخیر اعلام نشده است؟

صفحه ۲

اعتمادسازی به سبک یک قاضی

صفحه ۶

نامه مطهری به مقام معظم رهبری درباره مجمع تشخیص

صفحه ۲

جزئیات محکومیت نجفی به ۷ سال حبس

صفحه ۱۱

دختر ایرانی در رینگ خونین

صفحه ۱۴

حرف اول

هلال احمر نیازمند مدیر ملی

علی صابریان



۱- بنا بر قولی، روزی که آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، به تأسیس حوزه دینی همت گماشت، در تأسیس جمعیت شیر و خورشید سرخ قم هم پیش‌قدم شد. گویا تصور ایشان بوده که در کنار نهاد علمی- دینی، نهاد مدنی دیگری باید تأسیس شود که کمک به مردم کم‌توان و آسیب‌دیده را سروسامان دهد. از آن‌روز ۹۶ سال بر هلال احمر که ادامه شیر خورشید سرخ بوده، گذشته است. آیا دستی که خود، زخمی است، می‌تواند باز هم باری‌کننده باشد؟

۲- هزار نکته باریک‌تر از مو درباره حداقل یک دهه اخیر هلال احمر که نه یک رئیس جمعیت که یک سیستم اشتباه میدان‌ندیده بر بدنه هلال احمر سوار کردند، وجود دارد. نهاد واسط مدنی ما را که در دنیای کنونی مهم‌ترین تجمع افکار خیر و عمل انسانی برای زندگی شهروندان یک کشور است، به سیستمی بیمار که تخصص و تجربه و کارنامه ندارد، مبدل کرده است. نمی‌توان در یادداشت کوتاهی به این مسئله پرداخت؛ اما عجالتاً از نظر حقوقی انتخابات اعلام‌شده و فوری شورای عالی برای ادامه حیات همان سیستم اشتباه که کارنامه هلال احمر را از توفیق بم به زخم گرمانشاه رساند، زخم را ناسور می‌کند.

به اجمال عرض شود انتخابات زودرس شورای عالی با شرایط غامض و مبهم حتماً فسادزا است. از نظر حقوقی یاد کتاب «زنده باد فساد» علی ربیعی می‌افزیم که فساد سیستمی چگونه یک نهاد را فلج می‌کند. این انتخابات زودرس لازم نیست، در صورت موافقت رئیس‌جمهور با استعفا رئیس قبلی جمعیت و تغییر ترکیب شورای عالی توسط مجمع یا رئیس‌جمهوری، امکان راه‌گشایی سالم برای برون‌رفت از بحران فراهم می‌شود. هلال احمر شعبه هیچ وزارتخانه‌ای نیست و شرایط خاص انتخاب تخصصی خود را دارد. در غیر این صورت این دوره رنج با انتخاباتی عجول باز هم تکرار خواهد شد. همین دوستان در دور قبل این شرایط را استمرار دادند.

۳- از نظر احتجاج حقوقی به رئیس‌جمهور و مجمع عمومی و شورای محترم عالی عرض می‌شود:

الف: در بسیاری موارد مسئله شکلی بر محتوا سبقت می‌گیرد...

ادامه در صفحه ۴

خبر به وقت شرق



به تلگرام شرق پیوندید

@sharghdaily

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید



۸۸۹۴۲۰۳۵

sharghdaily.ir

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

پیام کوتاه

۳۰۰۰۴۶۹۹

sharghline@sharghdaily.ir

النو شرق

۸۸۹۴۸۲۷۳